

جشن‌های مذهبی و محلی در بلوچستان

عبدالسلام بزرگ‌زاده^۱

چکیده

از میان جشن‌های زیادی که در بلوچستان به مناسبت‌های مختلف برگزار می‌شود، سه جشن «پاگ‌واجهی»، «عید قربان» و «جشن هامین» (برداشت خرما) برجسته‌ترند. در هر کدام از این جشن‌ها، علاوه بر آداب و رسوم خاص آن جشن، رنگ، از طریق لباس و پوشش؛ صدا، از طریق موسیقی و آواها؛ بو، از طریق خوشبوکننده‌ها و گل‌بوته‌های محلی و طعم، از طریق غذا، شربت و شیرینی محلی حضوری متنوع دارند. همچنین، سه موضوع نمایش، ستایش و نیایش در تمام جشن‌ها مشاهده می‌شود. عوامل و مؤلفه‌های شاخص در این جشن‌ها، آنها را برای تولید برنامه‌های نمایشی و مستند مناسب ساخته است.

کلیدواژه‌ها: بلوچستان، عید قربان در بلوچستان، هامین در بلوچستان،

پاگ‌واجهی در بلوچستان، اعیاد بلوچستان

۱. کارشناسی ارشد مخابرات، شاعر و محقق فرهنگ عامه بلوچستان

مقدمه

در بلوچستان جشن‌های زیادی به مناسبت‌های ملی و قومی، مناسبت‌های مذهبی، برداشت محصولات کشاورزی و کار، تولد فرزند، ختنه‌سوران، عروسی و نیز به مناسبت فارغ‌التحصیلی طآب و دانشجویان برگزار می‌شود. در این مقاله، آیین‌ها و آداب و رسوم سه جشن مهم، یعنی «جشن مذهبی عید قربان»، «جشن برداشت خرما یا هامین» و جشن قومی و طایفه‌ای «پاگ‌واجهی» بررسی شده است.

در این سه جشن، سه موضوع نمایش، ستایش و نیایش ظاهر می‌شوند. «نمایش» در جشن عید قربان، به صورت انبوه جمعیت با پوشش اسلامی و معنوی به همراه کلاه سفید یا عمامه، سجاده و تسبیح و در صفوف فشرده عیدگاه؛ در جشن پاگ‌واجهی، نمایش به صورت دیوانجاه و مجلس سرداران و بزرگان قوم با لباس‌های محلی و سرداری و بستن پاگ^۱ (pâg) و کمرزانو (دستاری که به کمر و زانو می‌بندند) و در جشن هامین، نمایش به صورت نمایشی از نخلستان، انواع خرما و مقدار محصول خرما که در یک محل به نام بشنگ^۲ (bo ɪg) جمع‌آوری شده است، ظاهر می‌شود. «ستایش» در جشن عید قربان شامل حمد، ثنا و ستایش خداوند متعال هم به صورت انفرادی و هم به صورت جمعی در عیدگاه جلوه‌گر می‌شود. ستایش در جشن پاگ‌واجهی به صورت مداحی و تعریف و تمجید از سردار طایفه و ریش‌سفید تیره و اجداد وی از زبان حماسه‌سرایان و اشعار شاعران و گفتار حاضران در مجلس بیان می‌شود. ستایش در جشن هامین، با اشعار و آواهای مخصوص از

۱. دستار

۲. محلی محصور و غیرمسقف که انواع خرما را به تدریج در آنجا جمع‌آوری، آماده‌سازی و بسته‌بندی می‌کنند.

جشن‌های مذهبی و محلی در بلوچستان ❖ ۶۹

زبان پهلوانان و نیز کسانی است که محصول خرما را نظاره‌گر هستند و در آن؛ دهقان، صاحب نخل و نخلستان مورد مدح و ستایش قرار می‌گیرد. موضوع «نیایش» در جشن عید قربان شامل دعا و درخواست از خداوند در مراسم عیدگاه و نماز عید و فاتحه‌خوانی در قبرستان است. در جشن پاگ‌واجهی، نیایش شامل طلب دعا از خداوند متعال برای طول عمر سردار طایفه و دعا برای موفقیت و حل مشکلات طایفه است و نیایش در جشن هامین نیز شامل طلب دعا برای دفع بلا و آفات از نخل و نخلستان و سلامتی صاحبان نخلستان است.

مشاهده می‌شود که در هر سه جشن و همه جشن‌ها، اعم از جشن‌های مذهبی، ملی و قومی، موضوع نیایش و عنصر دعا و ارتباط با خداوند متعال از مراسم و آیین‌های مشترک به شمار می‌آید و حضوری پررنگ دارد.

انواع جشن‌ها و اعیاد بلوچستان

جشن در فرهنگ مردم، آیینی برای شکرگزاری از خداوند متعال به خاطر اهدای نعمت‌های فراوان است. به همین دلیل در هر زمان که خداوند نعمتی هدیه می‌کند، بندگانش ابراز شادمانی می‌کنند و جشن می‌گیرند و در هیچ جشنی نیست که دست به دعا و نیایش نبرند، به ستایش پروردگار پردازند و شکرگزاری نکنند.

در بلوچستان، اعیاد و جشن‌ها فراوان‌اند. برخی از آنها، جشن‌های دوران گذارند؛ مانند جشن «شپتاکي» (pataki) که شش روز پس از تولد فرزندان برپا می‌شود یا جشن سنّ تکلیف، افتادن اولین دندان در هفت سالگی (جشن دندان روزی) یا جشن‌های ازدواج و ...

برخی جشن‌ها نیز جشن‌های کار و تلاش هستند؛ مانند جشن برداشت محصول که از آن جمله می‌توان به جشن «پله» (palleh) یا «جشن گندم» اشاره کرد. این جشن در زمانی که جوانه‌های گندم سبز و پرمغز است، به نشانه برداشت خوب گندم و به شکرانه سلامت گندم‌زارها برگزار می‌شود. جشن دیگر نیز «جشن آب طاس» است. برای تقسیم آب به روش سنتی در بلوچستان از ظرفی مسی به نام طاس که در وسط آن سوراخی تعبیه شده است و درون یک ظرف بزرگ سفالی پر آب قرار دارد، استفاده می‌شود. با پر شدن طاس از آب، یک سهم از آب به سهام‌دار قنات تحویل داده می‌شود و به آن یک طاس آب می‌گویند. در زبان بلوچی به آب، آپ (âp) می‌گویند و جشن آب طاس هنگامی است که آب قنات در اثر بارندگی یا افزایش آب‌های زیرزمینی یا در اثر لایه‌روبی قنات افزایش یابد و این افزایش آب، بین سهامداران طی مراسمی خاص با عنوان جشن آب طاس تقسیم گردد. جشن هامین از همین گونه جشن‌هاست که در مقاله به آن اشاره شده است.

از انواع دیگر جشن‌ها، جشن‌های ملی است؛ مانند جشن بهارگاه و جشن بهارچرانی (bahar çani) که در ایام نوروز و از روز اول بهار شروع می‌شود و تا ۱۳ فروردین ادامه می‌یابد. همچنین اعیاد مذهبی جایگاه مهمی در فرهنگ مردم بلوچستان دارند. یکی از مهم‌ترین اعیاد مذهبی در این منطقه، عید قربان یا مزنین (mazanin) عید است که با آداب و سنن ویژه برپا می‌شود.

در بلوچستان، جشن‌هایی نیز به مناسبت فارغ‌التحصیلی و ختم کتب حدیث یا ختم قرآن برگزار می‌شود.

۱. مراسم و آیین‌های عید قربان

مردم بلوچ به عید قربان، عید حاجیان و مزین (mazanin) عید (عید بزرگ) می‌گویند. این عید، بزرگ‌ترین جشن مذهبی بلوچ‌هاست و آیین‌ها و آداب و رسوم محلی و خاصی را شامل می‌شود:

الف) مراسم و آیین‌های قبل از عید قربان

برای آماده‌سازی و برگزاری جشن بزرگ عید قربان، مردم بلوچستان از ماه‌ها قبل مشغول تدارک جشن می‌شوند.

● تهیه لباس نو

لباس زنان بلوچ مزین به سوزن‌دوزی‌های هنرمندانه است. به همین دلیل از چند ماه قبل از برگزاری عید قربان، زنان بلوچ روی پارچه‌ای مخصوص، طرح دلخواه خود را سوزن‌دوزی و لباس نو تهیه می‌کنند. همچنین، مردان با تهیه پارچه سفید یا رنگی برای خود لباس جدیدی سفارش می‌دهند. در این ایام، کسبه بازار و بویژه خیاطان روزهای پرکاری دارند.

● رپت و روپ (ropt o rup) یا خانه‌تکانی

به خانه‌تکانی در اصطلاح محلی «رپت و روپ» می‌گویند. در این ایام، زنان به کمک مردان از چند روز قبل از عید، مشغول شستن فرش، گلیم و زیرانداز منازل و مرتب کردن خانه می‌شوند.

● تدارک قربانی

بلوچ‌ها، چه کسانی که حج رفته‌اند و حاجی هستند و چه آنهایی که حج نرفته‌اند، اما بضاعت مالی دارند، گوسفند، بز، گاو یا شتر برای قربانی روز عید تدارک می‌بینند. دامداران معمولاً از میان گوسفندان خود، گوسفندی را انتخاب

۷۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

و برای قربانی کردن نشانه‌گذاری می‌کنند. رسم بر این است که دست خود را پشت گوسفند می‌گذارند، نیت می‌کنند و دعا می‌خوانند و پس از آن پشم‌های گوسفند را می‌شویند و شاخ و پشم آن را با حنا رنگ می‌کنند تا مشخص شود که این گوسفند مخصوص قربانی روز عید است. به همین دلیل از آن گوسفند بیشتر از سایر گوسفندان مراقبت می‌کنند.

• خرید قبل از روز عید قربان

بلوچ‌ها، همانند خرید شب عید نوروز، همه خریدهای لازم از جمله خرید عطر و خوشبوکننده‌ها، جوراب، کفش، لباس و لوازم ذبح قربانی را در چند روز قبل از عید قربان انجام می‌دهند.

• آرایش قبل از روز عید قربان

قبل از عید قربان، مردان برای اصلاح به آرایشگاه می‌روند. در روستاها فردی که پیشه اجدادیش همین بوده است و جت (jatd) نامیده می‌شود، این کار را انجام می‌دهد. آرایش زنان هم در ایام قبل از عید قربان، به عهده زنی به نام مشاطه است.

ب) مراسم و آیین‌های روز عید قربان

صبح روز عید قربان، پیش از رفتن به عیدگاه، مردم خود را برای برگزاری جشن و عید قربان آماده می‌کنند و لباس و کفش نو می‌پوشند. افرادی که قرار است قربانی کنند، تا خواندن نماز عید و برگشت از عیدگاه، روزه هستند و پس از ادای نماز عید و بازگشت از عیدگاه افطار می‌کنند. برای صبحانه و افطاری، معمولاً شیرینی مخصوصی به نام سیوایی^۱ تهیه می‌شود.

۱. شیرینی مخصوصی که به شکل رشته‌های باریک است و از سبوس برنج تهیه می‌شود. این رشته‌ها را در روغن حیوانی تفت می‌دهند، سپس به آن شکر آب‌شده می‌افزایند و می‌گذارند تا دم بکشد.

● پیاده‌روی به سمت عیدگاه

پس از پوشیدن کفش و لباس نو هر خانواده به اتفاق پدر و پسران خود پیاده به سمت عیدگاه حرکت می‌کنند. در این هنگام، کوچه و خیابان‌ها مملو از مردم با لباس‌های رنگارنگ یا سفید است. مردم هنگام حرکت به سمت عیدگاه، با صدای بلند می‌خوانند: الله اکبر، الله اکبر، لاله‌الله، والله اکبر، الله اکبر، والله الحمد...

● نماز عید قربان

مردم پس از تجمع در محل عیدگاه، شنیدن سخنرانی علما و خواندن نماز عید می‌نشینند تا خطبه عید خوانده شود و مراسم دعا و نیایش اجرا گردد. پس از دعا و نیایش نیز یکدیگر را در آغوش می‌گیرند و طلب عفو و بخشش می‌کنند که به این عمل، در اصطلاح محلی «حق پهللی» (haq pahelli) می‌گویند.

● فاتحه‌خوانی بر سر قبر مردگان

بعد از نماز عید و قبل از عزیمت به منازل، نمازگزاران، در آرامگاه‌ها حاضر می‌شوند و برای مردگان خود فاتحه می‌خوانند و طلب آمرزش می‌کنند.

● ذبح و کشتن قربانی

معمولاً پیش از ذبح، به قربانی مقداری آب نمک می‌خورانند که در اصطلاح محلی به آن «آپ و واد» (âp o wâd) می‌گویند. پس از ذبح گوسفند، پوست آن را می‌کنند، شکمش را خالی می‌کنند و پس از شستن داخل شکم، آن را با روده گوسفند بخیه می‌زنند، می‌بندند و آن را روی آتش می‌پزند. سپس گوشت آن را بین فقرا، همسایه‌ها، دوستان و آشنایان تقسیم می‌کنند.

● دید و بازدید روز عید قربان

نخستین اقدام پس از قربانی کردن، دیدار دسته‌جمعی با خانواده‌های عزادار است. پس از آن، مردم برای گفتن تبریک به خانه بزرگان فامیل، طایفه، سپس خانه پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها و بعد به دست‌بوسی مادر و پدر می‌روند و طلب عفو و دعا می‌کنند. این دید و بازدیدها سه روز ادامه می‌یابد. در این ایام، گاه مراسم آشتی‌کنان نیز با توصیه بزرگ‌ترها و ریش‌سفیدهای آن طایفه انجام می‌شود.

۲. مراسم و آیین‌های جشن هامین

هامین واژه‌ای است در زبان بلوچی که به فصل برداشت خرما گفته می‌شود. هامین فصلی است که کشاورزان نخلدار پس از یک سال کار، تلاش، آبیاری و نگهداری از درخت خرما که در زبان بلوچی «مچ»^۱ (ma) نامیده می‌شود، نتیجه شیرین همت و تلاش خود را احساس می‌کنند. فصل هامین یا همان فصل برداشت خرما خود به چند مرحله تقسیم می‌شود: مچ ایوار (ma iwar)، مچ بند (ma band)، مچ سند (ma sond) و مچ بر (ma bar).

در مرحله اول که مچ ایوار نامیده می‌شود، عمل لقاح و باروری درخت انجام می‌گیرد. در مرحله دوم یا «مچ‌بند» دانه‌های سبز خرما که بزرگ می‌شوند و خوشه‌های سنگین و بزرگ رو به پایین آویزان می‌گردند و امکان شکسته شدن ساقه خوشه خرما که به آن در زبان بلوچی کانزگ^۲ (kânezg) گفته می‌شود، وجود دارد. برای جلوگیری از شکسته شدن کانزگ آن را با ریسمان

۱. نخل

۲. ساقه

یا طناب حصیری که چیلک (hek) نام دارد، به شاخه‌های بالاتر درخت خرما می‌بندند.



میچ‌سند در فصل هامین

مرحله سوم که دانه‌های رنگین خرما شروع به پختن می‌کنند، مرحله «خرماپزان» است. برای محافظت دانه‌های خرما از حشرات و جلوگیری از ریختن آن در اثر وزش باد، خوشه‌های خرما را به وسیله سبد حصیری که به آن سند (sond) می‌گویند، می‌پوشانند. سند، سبدهای حصیری است که از برگ درخت خرما و حشی به نام «داز» بافته می‌شود و برای پوشاندن خوشه خرما و محافظت از آن مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در این فصل، همه مردم محل، زیر سایه درختان خرما و کنار جوی آب، ضمن نظارت بر تقسیم آب که به روش سنتی انجام می‌گرفت و به آن طاس کپل^۱ (tâs kapal) می‌گفتند، مشغول بافتن سبد خرما می‌شوند؛ به این ترتیب که هر روز همه برای یک نفر سبد می‌بافند و فرهنگ حسنه تعاون را جاری می‌کنند.

۱. ظرف سفالی و گود

در مرحله چهارم از فصل برداشت خرما، یعنی مرحله پایانی فصل هامین و مرحله برداشت خرما که به آن «میچ بر» می‌گویند، خوشه‌های درخت خرما بریده می‌شوند و با ریسمان و طناب حصیری به سمت پایین هدایت می‌گردند و در محلّ مخصوصی که به آن بشنگ (bo ɪg) می‌گویند، نگهداری می‌شوند.

برگزاری جشن

میچ بر، موسم و مرحله بسیار شیرین جشن هامین است؛ زیرا مردم شیرینی همت و تلاش خود را می‌چشند و به همین دلیل جشن می‌گیرند؛ یعنی جشن هامین را گرامی می‌دارند و هم‌صدا می‌خوانند:

میچ بر و شین مدّتا ma bərwa in moddatâ

زمان خوب و شیرین برداشت خرما

دل و شینانی نوبتا del wa iyâni nobatâ

نوبت شادی و جشن و دل‌خوشی‌ها

چه حاصلانی برکتا ɬselâni barkatâ

از برکت برداشت محصول خرما

هر بزگی بیت راحتا har bazzagi bit râhatâ

هر مستمندی راحت می‌شود

در موسم برداشت خرما، یعنی مرحله پایانی هامین، بلوچ نخل‌دار شاد است، زیرا این امکان برایش فراهم شده است تا شیرینی محصول همت و تلاش خود را با همسایگان، برادران و آشنایان دور و نزدیک خود تقسیم کند و برای هر کدام سوغاتی بفرستد.

نا موصلی مان پات بیت nâ museli mân pata bit

نا موصلی مان پات بیت

خرمای مضافتی بسته‌بندی می‌شود

pa berâdarân soqâta bit په برادران سوغات بیت

برای برادران و دوستان سوغات فرستاده می‌شود

mirin balu ۹ bit میرین بلوچا شات بیت

بلوچ اصیل از این بابت خوشحال می‌شود

del az qamân âzât bit دل از غمان آزات بیت

دلش از دام غم آزاد می‌شود

در موسم شیرین‌ها، معمولاً برپایی جشن‌های عروسی بسیار دیده می‌شود و همه در این زمان خوشحال‌اند و با ساز و آواز می‌خوانند:

bilân gu sâz o zimolâ بیلان گو ساز و زیملا

دوستان با ساز و آواز خوش

ma ni ri va delâ میچانی چیرا وژدلا

با خوشحالی و خوش‌دلی زیر سایه نخل‌ها

nâzini an u bolbolâ نازینی انچو بلبلا

می‌ستایند و نوازش می‌کنند همچون بلبل

bânurin naxlâni golâ بانورین نخلانی گلا

عروس زیبای نخلستان را

در این فصل، جشن‌ها برای شکرگزاری از خداوند به دلیل آفرینش نخل و اهدای برکت و رحمت بدون منت به بندگان در دل کویر برگزار می‌شود و دست‌نیایش به سمت پروردگار دراز می‌شود:

hâmin xodâye rahmaten هامین خدای رحمتن

هامین رحمت خداست

por barkat o por ne?maten	پر برکت و پر نعمتن
	پر برکت و پر نعمت است
dâde xodâ bi mennaten	داد خدا بی منتن
	عطای خداوند بی منت است
har kasâ bâji gun vate	هر کسا باجی گون وتن
	برداشت و بهره هرکس به اندازه همت و تلاش خودش است

۳. مراسم و آیین‌های جشن پاگ‌واجهی (pâgvâjehi)

ساختار طایفه‌ای و قدرت اجتماعی در بلوچستان در منطقه مکران (makorân) و سرحد متفاوت است. در منطقه سرحد به این ترتیب است که طایفه از چندین تیره تشکیل می‌شود. در رأس هر تیره، ریش سفید که در اصطلاح محلی به آن «کماش» (kamâ) می‌گویند، قرار دارد و در رأس هر طایفه نیز سردار قرار می‌گیرد که مسئول حفظ جان، مال و اعتبار طایفه است و ریش سفیدان تیره‌های مختلف، مشاوران و مددکاران سرداران طایفه هستند. اما در مکران که مردم بلوچ بیشتر ساکن قلعه‌ها و صاحب زمین کشاورزی، نخلستان و قنات بودند، ساختار قدرت براساس مقدار زمین کشاورزی، نخل و مالکیت قلعه‌ها بوده است. در رأس قدرت سیاسی و اجتماعی در مکران، خان یا در اصطلاح محلی، همان حاکم قرار داشته است و تعداد زیادی از سرداران طایفه و سردارانی که قلعه‌های کوچک‌تر را به فرمان همان حاکم در اختیار داشتند، مشاوران و همکاران حاکم بوده‌اند. البته در ساختار قدرت در مکران، همانند سایر حکومت‌ها، مراحل و ترتیب حکومتی دایر بوده است؛ یعنی در رأس هرم، حاکم، تعدادی وزیر، سپاهی و تعدادی قاضی و در رأس آنها

جشن‌های مذهبی و محلی در بلوچستان ❖ ۷۹

شماره ۳۴ / پاییز ۱۳۹۲
فصلنامه علمی و پژوهشی

قاضی‌القضات و در نهایت افرادی که پس از آن مأمور دریافت مالیات از مردم بوده‌اند. در هر دو منطقه، یعنی در سرحد و مکران، برای تفویض قدرت از سردار قبلی به سردار فعلی، حتی برای انتخاب ریش سفید جدید تیره‌ها، مراسم و آیین خاصی با عنوان جشن «پاگ‌واجهی» یا همان جشن دستاربندی یا پاگ‌بندی (عمامه‌گذاری) حاکم یا سردار جدید برگزار می‌شود.



انتقال قدرت، هم در سرحد هم در مکران، موروثی و از طرف پدری بود، اما اگر از سردار یا حاکم فوت شده پسری بالغ و لایق باقی نمی‌ماند، برادرش جانشین او می‌شد. جشن پاگ‌واجهی جشنی است که در آن بر سر سردار طایفه یا ریش سفید تیره، پاگ (دستار) می‌گذارند. این جشن، نشانه انتقال قدرت است و از آن روز به بعد فرد مورد نظر سردار طایفه و مسئول حفظ جان، مال و اعتبار طایفه است. برای برپایی این جشن، آیین‌هایی اجرا می‌شود که عبارت‌اند از:

الف) دعوت برای جشن پاگ‌واجهی

در گذشته برای اطلاع‌رسانی و جلب توجه مردم برای هر موضوع و مطلب مهمی که باید به اطلاع عموم مردم می‌رسید، نخستین اقدام، صدای دهل بود که از سوی افرادی خاص به صدا درمی‌آمد و جار زده می‌شد (صدای دهل و ضرباهنگ آن مشخص می‌کرد چه نوع مراسمی برگزار می‌شود). در جشن پاگ‌واجهی نیز مردم با شنیدن صدای دهل به سمت خانه سردار می‌رفتند و از جزئیات موضوع باخبر می‌شدند. در این میان، سردار افراد خاصی را همراه با نامه یا پیام شفاهی به سراغ ریش‌سفیدان تیره‌های مختلف طایفه و سرداران سایر طوایف می‌فرستاد و برای جشن پاگ‌واجهی از آنها دعوت به عمل می‌آورد.

ب) اجرای موسیقی حماسی و پهلوانی

پهلوانان یا همان حماسه‌سرایان، راویان تاریخ گذشته بلوچستان بوده‌اند و اشعاری حماسی از اسطوره‌ها و سلحشوری‌های قوم بلوچ بیان می‌کردند. در این میان، یکی از وظایف اصلی پهلوانان، اجرای موسیقی حماسی و سرودن اشعار و مدح و ستایش اجداد و نیاکان سرداری بود که در جشن پاگ‌واجهی، پاگ (دستار) بر سر او می‌نهادند.

به این ترتیب که ریش‌سفیدان و سرداران دعوت‌شده به مراسم پس از رسیدن به محل برگزاری جشن پاگ‌واجهی و استراحتی کوتاه، در مراسم شبانه که همانا اجرای موسیقی حماسی است، شرکت می‌کنند و دور تا دور چل‌دان (آتش‌دان) که آتش در آن روشن است و در مرکز مجلس قرار دارد، می‌نشینند. مردم با پوشش رسمی، یعنی لباس محلی بلوچی و پاگ بسته، یعنی دستار به

سر یا عمامه به سر و کمر زانو بسته^۱ در مجلس حضور می‌یابند. سرداری که میزبان است و قرار است پاگ بر سر او نهند، در جایگاه مخصوص به دور آتش و چلدان می‌نشیند و گروه موسیقی حماسی در درون حلقه بزرگ مردم و در نزدیکی سردار، مشغول نواختن و سرودن اشعار حماسی می‌شود. این مراسم تا پاسی از شب و گاه تا صبح ادامه دارد. مردم و سردار برای تشویق گروه، گاهی پول هدیه می‌دهند.

ج) اجرای مسابقه شترسواری

پیش از اجرای مراسم پاگ‌بندی و روز بعد از شبی که موسیقی حماسی برگزار می‌شود، بین ریش سفیدان و سرداران طوایف، مسابقه شترسواری برگزار می‌شود که برنده این مسابقه همان کسی است که پاگ را بر سر سرداری که قرار است پاگ وی بسته شود، می‌گذارد. اما چنانچه پاگ‌بندی برای ریش سفید تیره‌ای از طایفه است، حتماً سردار آن طایفه پاگ وی را می‌بندد؛ هر چند در مسابقه شترسواری شخص دیگری برنده شود.

د) اجرای مسابقه خروس جنگی

پس از اجرای مسابقه شترسواری برخی از سرداران و ریش سفیدان تیره‌ها که از قبل آمادگی دارند و خروس‌های مخصوص و جنگی خود را به همراه خود آورده‌اند، در مسابقه خروس جنگی شرکت می‌کنند. هدف اصلی از مسابقه

۱. با پارچه‌ای بلند، دور کمر و زانوهای خود را می‌بندند و راحت می‌نشینند، به این حالت کمر زانو می‌گویند و به میل بلوچی معروف است.

شترسواری و مسابقه خروس جنگی به نمایش گذاشتن قدرت طایفه‌ای، آمادگی رزمی سرداران طوایف و در واقع نوعی نمایش قدرت است.

هـ) اجرای بازی محلی جی (ji)

جی یکی از بازی‌های محلی و رزمی است؛ به این ترتیب که با لباس محلی بین دو گروه یعنی گروه بندوک^۱ (banduk) و گروه جنوک^۲ (januk) اجرا می‌شود. گروه جنوک اگر دست خود را به یکی از اعضای گروه بندوک بزند، همه گروه بندوک قبل از اینکه از خط پایان بگذرد به دنبال او می‌روند تا او را بگیرند. این بازی محلی که در واقع نوعی تمرین رزمی برای آماده‌باش افراد طایفه است، عموماً در جشن پاگ‌واجهی و بین سرداران طوایف و ریش‌سفیدان تیره‌ها یا بین افراد یک طایفه با افراد طایفه دیگر برگزار می‌شود.

و) غذاهای محلی و شیرینی‌های جشن پاگ‌واجهی

برای برگزاری جشن، معمولاً گوسفند یا شتر ذبح می‌گردد و در دیگ‌های بزرگ روی چهارپایه به شیوه محلی با هیزم و آتش، غذا پخته می‌شود و همراه با برنج در ظرف‌هایی از جنس مس یا استیل به نام تشت، روی سفره‌ای محلی به نام پرزونگ (parzunag) و همراه دوغ محلی برای مهمانان آماده می‌شود. برای سرداری که قرار است پاگ وی بسته شود، در تشت مخصوصی، مقداری برنج و دل و جگر گوسفند گذاشته می‌شود. پس از صرف غذا و پیش از جمع شدن سفره، فردی معتمد دعا می‌کند و بقای عمر سردار و آرزوی موفقیت او را در مسئولیت سرداری از خداوند طلب می‌کند. سردار نیز ضمن تشکر از

۱. یعنی کسانی که وسط میدان دست‌بسته در حال دفاع هستند.

۲. کسانی که از اطراف به گروه بندوک حمله می‌برند و فرار می‌کنند.

مردم و حاضران به برکت سفره، سوگند یاد می‌کند که برای حفظ آبرو و اعتبار و جان و مال طایفه تلاش کند و وفادار بماند.

ز) برگزاری مراسم دیوانجاه و پاگ‌بندی

پس از صرف نهار و عصر آن روز، همه افرادی که برای مراسم جشن پاگ‌واجهی دعوت شده‌اند، شامل ریش‌سفیدان تیره‌های مختلف آن طایفه و نیز سرداران طوایف دیگر در محل مخصوصی که به آن دیوانجاه می‌گویند، دایره‌وار می‌نشینند.

در این محل، همگی با پوشش بلوچی حضور دارند؛ یعنی پاگ بسته و چهار زانو نشسته، در حالی که دستار بزرگی که به آن لنگ بلوچی می‌گویند،



به دور کمر و زانوی خود بسته‌اند و به آن کمر زانو می‌گویند. علاوه بر دود کردن اسپند، عود مخصوصی نیز که به آن سوچوکی (su uki) می‌گویند، برای خوشبو کردن مجلس می‌سوزانند. سپس از سوی

یکی از سرداران طوایف که در مسابقه شترسواری برنده شده است - یا اگر پاگ‌بندی ریش‌سفید تیره‌ای از طایفه است از سوی سردار همان طایفه - اعلام می‌شود که مراسم رسمی پاگ‌بندی آقای فلانی و فرزند فلان و فلان و ... است.

سپس پاگ مخصوص سرداری را که پیشتر از سوی فرد ماهری آماده و بسته شده است، روی سر سردار می‌گذارند و در این هنگام، صدای گلوله تفنگ سه بار شلیک می‌شود.

ح) اجرای موسیقی و رقص محلی دوچاپی

بلافاصله پس از پاگ‌بندی و شنیدن صدای تیر، با صدای دهل و سرنا، به طور رسمی موسیقی و رقص محلی دوچاپی شروع می‌شود.



همزمان با اجرای رقص دوچاپی، با شیرینی مخصوص محلی که مخلوطی از آرد، شکر و شیر است و به صورت گرد و به اندازه گردو در روغن محلی برشته شده و به آن گلدوک (gelladtok) می‌گویند، از مهمانان پذیرایی به عمل می‌آید.

ط) مراسم بیعت با سردار طایفه

پس از اتمام رقص دوچاپی، مراسم بیعت با سردار پایان‌بخش مراسم جشن پاگ‌واجهی است؛ به این ترتیب که چند نفر از ریش‌سفیدان تیره‌های مختلف

آن طایفه یا تعدادی از افراد سرشناس به صورت نمادین دست‌های خود را روی دست سردار می‌گذارند و هم‌صدا می‌گویند: «الهی میار»؛ یعنی در پناه الله باشی و سردار نیز پاسخ می‌دهد: «الهی مهربانی»؛ یعنی شکر از لطف خداوند. سپس سرداران طوایف دیگر یکی یکی به سمت او می‌آیند و وی را بغل می‌گیرند که در اصطلاح محلی به آن «بغل کشی» می‌گویند. از این لحظه به بعد وی به طور رسمی سردار طایفه یا ریش‌سفید تیره است و مردم برای حل و فصل اختلافات یا پیگیری مشکلات درون‌طایفه‌ای، به او مراجعه می‌کنند و چنانچه فردی از طایفه وی اختلافی با افراد طایفه دیگری داشته باشد یا مرتکب جرمی بشود، سرداران طوایف دیگر فقط سردار را می‌شناسند و به او مراجعه می‌کنند تا مشکل را حل کند. به این شیوه از حل و فصل مشکلات و اختلافات، در اصطلاح محلی «مردم‌داری» می‌گویند.

جمع‌بندی

بلوچستان یکی از مناطق مهم فرهنگی و باستانی ایران است. این دیار، هنوز هم بسیاری از آیین‌های کهن ایرانی و اسلامی خود را حفظ کرده است و در حوزه فرهنگ عامه، پایگاه بسیاری از آیین‌ها و جشن‌های ملی و مذهبی به‌شمار می‌آید. مطالعه این آیین‌ها نشان می‌دهد که دعا و نیایش در تمام جشن‌های مذهبی و غیرمذهبی بلوچستان حضوری برجسته و پررنگ دارد. استفاده از موسیقی و رقص محلی نیز از دیگر زمینه‌های مشترک برپایی جشن‌ها محسوب می‌شود. علاوه بر آنها، استفاده از رنگ (بویتزه رنگ سفید و قرمز)، موسیقی، حرکات آیینی، آواها و تمرینات رزمی نیز از نمودهای دیگر برپایی این گونه جشن‌ها در میان مردم بلوچستان است. جشن‌هایی مانند عید قربان، جشن هامین و جشن پاگ‌واجهی از جشن‌هایی هستند که وجوه

مختلف نمایش، ستایش و نیایش را دارا هستند. این ویژگی‌ها می‌تواند در انواع برنامه‌ها و قالب‌های رسانه‌ای طرح و تولید گردد. نمایش آداب و سنن محلی و قومی علاوه بر داشتن جذابیت‌های رسانه‌ای و جذب مخاطب در ایجاد همبستگی و انسجام ملی نیز مؤثر است.



منابع

* داده‌های مقاله برگرفته از پژوهش‌های میدانی نویسنده است.





پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی